

سازمان‌های غیردولتی در انقلاب رنگی قرقیزستان

محمد رضا مجیدی^۱

طاهره دلیران چاپشلو^۲

در قرن بیستم و بعد از جنگ جهانی دوم، نهادی در مجامع بین‌المللی به رسمیت شناخته شد که هیچ دولتی حق عضویت در آن را نداشت. این نهاد که به نام سازمان غیردولتی شناخته شد، توانست جایگاهی مهم در بین اقشار مختلف جامعه به خصوص نسل جوان بیابد؛ به گونه‌ای که در قرن بیست و یکم ما شاهد قدرت روزافزون این سازمان‌ها در بین کشورهای مختلف جهان می‌باشیم؛ به عنوان مثال می‌توان از میزان حضور و نقش این سازمان‌ها در انقلاب‌های رنگی که بعد از استقلال جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی در بعضی از این جمهوری‌ها روی داد، اشاره نمود.

این مقاله درصدد است تا ضمن بررسی نفوذ سازمان‌های غیردولتی در انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان، نشان دهد که چگونه این سازمان‌ها توانستند بدون دخالت دولت و تنها با کمک و اتکا به نیروهای مردمی، حکومت این کشور را تغییر دهند.

واژگان کلیدی: سازمان‌های غیردولتی، قرقیزستان، انقلاب رنگی و جامعه مدنی.

^۱ نویسنده مسئول، دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email: mr_majidi@unesco.org

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، ایران.

Email: tdaliran@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۱۵، تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۱۸

مقدمه

جمهوری قرقیزستان با مساحتی حدود ۱۹۸۵۰۰ کیلومتر مربع در شمال شرقی آسیای مرکزی قرار دارد و یکی دیگر از کشورهای حوزه پسا کمونیستی است که شاهد رخداد انقلاب رنگی بوده است (بهمن، ۱۳۸۸: ۱۴۶). جمهوری قرقیزستان در کریدور بین چین و فدراسیون روسیه قرار دارد. و بسیاری از آن به عنوان قلب آسیای مرکزی یاد می‌کنند (اخلاقی، ۱۳۸۹: ۱۵). سه چهارم این سرزمین از کوه‌های برفگیر پوشیده شده است که در میان آنها رودخانه‌ها و آبگیرهای متعددی وجود دارد. ایسپیک کول از بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین دریاچه‌ها و نارین و تالاس و چونیر از رودخانه‌های بزرگ این سرزمین هستند (حسین پور، ۱۳۷۵: ۱۴۶).

جمهوری قرقیزستان به لحاظ اقتصادی از فقیرترین جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع است (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۰۲) و بیش از ۴۰٪ مردم آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند (Engdahl, 2010: 1). اقتصاد جمهوری قرقیزستان به طور اساسی مبتنی بر کشاورزی است (www.siasatema.com.1390: 19/156).

مذهب این مردم نیز همچون سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی "سنی حنفی" است. تصوف و فرقه نقشبندیه نیز در بین روستائیان و شهرهای اطراف نفوذ زیادی دارند (احمدی‌لفورکی، ۱۳۸۳: ۱۰۵-۱۰۴).

وجه مشترک تمام انقلاب‌های رنگی، مبارزه‌های منفی است که در مجموع برضد حکومت‌هایی که خود را متعصب و دیکتاتور نشان داده‌اند به کار گرفته می‌شود. در تمام این انقلاب‌ها، یک رنگ یا گل خاص به عنوان نماد مورد استفاده قرار گرفته است. تاکنون این حرکت‌های مخالف در صربستان (سقوط رئیس‌جمهور میلوسویچ در سال ۲۰۰۰)، گرجستان (عزل رئیس‌جمهور ادوارد شواردنادزه در انقلاب «رز»^۱ ۲۰۰۳)، اوکراین (انقلاب نارنجی^۲ سال ۲۰۰۴ و سقوط ویکتور یانوکویچ) و جمهوری قرقیزستان (فرار رئیس‌جمهور عسگر آقایف^۳ در انقلاب لاله^۴ در سال ۲۰۰۵) در برکناری حکومت‌های بازممانده از اتحاد جماهیر شوروی با موفقیت روبه‌رو شده است.

^۱Rose Revolution

^۲Orange Revolution

^۳Askar Akayev

^۴Tulip Revolution

در تمام این موارد به دنبال برگزاری انتخابات بحث برانگیز، مخالفت‌های گسترده خیابانی منجر به عزل یا سقوط یا فرار رهبرانی شدند که از سوی مخالفان، دیکتاتور شناخته شده بودند. انقلاب لاله در جمهوری قرقیزستان به نسبت با خشونت همراه و همچنین پراکنده‌تر از انقلاب‌های پیشین بود. در مرحله نخست، این انقلاب در رسانه‌ها با نام‌های «صورتی»، «لیمویی»، «بریشمی»، «نرگس»، «سنبل» یا «لاله» گزارش می‌شد. در این روند، مخالفت‌هایی در پی انتخابات بحث برانگیز مجلس در سال ۲۰۰۵، به وجود آمد. مخالفان در ناحیه‌های مختلف، رنگ‌های متفاوتی را برای تظاهرات انتخاب کردند که بیشتر آنها به رنگ صورتی و زرد بود. تمامی این تحرک‌ها از سوی سازمان مقاومت جوانان موسوم به «کل کل^۱»، حمایت می‌شد. برخی از سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه مربوط به زنان، مردم سالاری و حقوق بشر نیز به این حرکت کمک می‌کردند. دو روزنامه «ام.اس.ان^۲» و «جمهوریت^۳» نیز همپای رادیو «آزادی» به انقلاب کمک می‌کردند. به دنبال بروز انقلاب، رئیس‌جمهور وقت عسگر آقایف از کشور فرار کرد و مدتی بعد، استعفای خود را در حضور هیات نمایندگی مجلس قرقیزستان در مسکو امضا کرد.

انقلاب رنگی در جمهوری قرقیزستان زمانی رخ داد که جمهوری قرقیزستان به عنوان کشوری آسیایی، دارای مجلسی افسانه‌ای قلمداد می‌گردید؛ یعنی امکان بحث‌های آزاد در مجلس این کشور به گونه‌ای مهیا بود که لقب افسانه‌ای به خود گرفته بود. به ویژه پس از استقلال این جمهوری، جریان‌های سیاسی موجود به اندازه‌ای آزادی عمل داشتند که در جریان جنگ‌های داخلی تاجیکستان بخش زیادی از مخالفان و روشنفکران تاجیک به جمهوری قرقیزستان مهاجرت کردند. همچنین در همین راستا، عسگر آقایف رئیس‌جمهور سابق قرقیزستان، سال ۲۰۰۲ را سال حقوق بشر و با اجرای برنامه‌های مختلف، سال ۲۰۰۴ را سال جنبش اجتماعی و حکومت خوب در جمهوری قرقیزستان نامگذاری کرده بود. عسگر آقایف با بسیج جوانان

^۱ Kelkel

^۲ Моя Столица-Новости (MSN)

^۳ Республика

مجموعه‌ای به عنوان «نظام‌نامه دموکراتیک» را تهیه و اعلام کرد که با وجود چنین نظام‌نامه دموکراتیکی هیچ‌گاه حکومت وی سرنگون نخواهد شد (کولایی، ۱۳۸۴: ۱۵۹).

چارچوب نظری

جامعه مدنی واژه‌ای که در پایان جنگ سرد برای توصیف آنچه در جوامع دولت - محور وجود نداشت - یعنی همکاری گسترده اجتماعی و توجه مردم به امر حاکمیت، اما نه به ضرورت حکومت - رایج گردید. جامعه مدنی را عنصر ضروری ایجاد حاکمیت مردم سالار می‌دانند. سازمان‌های غیردولتی تنها بخشی از جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند و حوزه فعالیت سازمان‌های غیردولتی، هم در سطح محلی و هم در سطح جهانی است. سازمان‌های غیردولتی از روح مهاتما گاندی که به مردم می‌آموخت، «دنیایی بیندیشید و محلی کار کنید» الهام گرفته‌اند (پیرنظر، ۱۳۷۹: ۵۳).

از نظر تاریخی گروه‌های مردم نهاد، گذشته به نسبت طولانی دارند؛ چنان که قبل از تأسیس سازمان ملل متحد یک رشته فعالیت‌های مردمی که از جوانبی تداعی‌کننده و یا مبادی سازمان‌های غیردولتی کنونی هستند، انجام می‌یافت؛ بیشتر فعالان طرفدار محیط‌زیست، ریشه در سده‌های گذشته دارند؛ چرا که اگر محیط‌زیست را مجموعه‌ای از آب‌وهوا، خاک، عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات موجودات زنده بدانیم، آن وقت هر فعالیتی که به طرفداری از یکایک آنها صورت گیرد و جهت تحقق آن، افراد به گونه غیرانتفاعی بسیج شوند، می‌توان آنها را گروه‌های مردم نهاد نامید (امیرکواسمی، ۱۳۸۸: ۱۸۲).

عبارت "سازمان غیردولتی" نخستین بار در ماده ۷۱ منشور ملل متحد در مورد توافقاتی با شورای اقتصادی و اجتماعی به کار رفته و در اجلاس "باس"^۱ ۱۹۵۰ براساس گزارش خانم باستید باسدوان^۲ اصلاح و بازنگری شد. با این توصیف، تمام مطالعه‌های انجام شده در این زمینه و حتی طرح به نسبت جامع "اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی"^۳ نیز که در ۱۹۵۹ به یونسکو ارائه شد، بی‌نتیجه ماند.

از سوی دیگر، اتحادیه مزبور بدون این که از رد درخواست خود از طرف یونسکو سرخورده و دلسرد شود، با دنبال کردن فعالیت‌های خود موفق به نگارش قسمتی از

^۱Bass Summit

^۲Bastyd Basdvan

^۳International Association

کنوانسیون مربوط به وضعیت حقوقی اتحادیه‌ها در سطح بین‌المللی شد (که به طور طبیعی سازمان‌های غیردولتی را نیز در برمی‌گیرد) و قصد داشت تا آن را به تصویب دولت‌ها برساند. این متن مشتمل بر یک مقدمه و ۱۸ ماده است. در مقدمه، هدف نهایی این کنوانسیون ایجاد اساسنامه‌ای بین‌المللی برای سازمان‌های دارای سود است و آرمان‌های جامعه جهانی به منظور تسهیل در گسترش چنین سازمان‌هایی اعلام شده است. ماده دو، تعریفی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی (براساس اهداف کنوانسیون) ارائه می‌دهد، "مجمعی با ماهیت خصوصی که فرد یا گروهی از افراد می‌توانند با توجه به شرایط مقرر در اساسنامه در راستای منافع بین‌المللی و بدون انگیزه سودجویانه به آنها دسترسی داشته باشند". عبارت "تعلق نداشتن به گروه، طبقه‌ها، سازمان‌ها، انجمن‌ها، موسسه‌ها و غیره با قصد سودجویی" در تمام پیش‌نویس‌هایی که تاکنون مطرح شده‌اند به چشم می‌خورد (سوچینی لیندکر، ۱۳۸۷: www.political.ir).

همچنین اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی را چنین تعریف می‌کند:

«به هر سازمان غیردولتی و داوطلبانه‌ای اطلاق می‌شود که در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی فعالیت دارد و افرادی با علایق مشترک آن را اداره می‌کنند. خدمات انسان‌دوستانه، توجه دادن مردم به اعمال دولت، نظارت بر سیاست‌های اتخاذ شده از سوی دولت و تشویق به همکاری سیاسی در امور خارجه، در شمار فعالیت‌های این سازمان‌ها قرار می‌گیرد. سازمان‌هایی از این نوع، با تحلیل و کارشناسی امور، نقش سازوکارهایی هشداردهنده را بازی می‌کنند».

تعریف دیگری که می‌توان مورد اشاره قرار داد، تعریف شورای اروپا است که اظهار می‌دارد:

«سازمان‌های غیردولتی، جمعیت‌ها، جنبش‌ها یا گروه‌هایی هستند که مستقل از دولت، بدون قصد منفعت‌طلبی و در جهت دفاع از منافع خاصی، همچون مسائل شغلی، اجتماعی، فرهنگی، تجاری، سیاسی، علمی، انسان‌دوستانه، مذهبی تشکیل شده‌اند» (گلشن پژوه، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۳).

نخستین و مهم‌ترین وظیفه این سازمان‌ها، عملکرد مشورتی آنها در قبال سازمان ملل است که البته نه به طور انحصاری، اما بیشتر از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی

سازمان ملل صورت می‌پذیرد. ماده ۷۱ منشور ملل متحد به طور دقیق همین مسأله را گوشزد می‌کند:

"شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در خصوص مسایل مربوط به صلاحیت خود با سازمان‌های غیردولتی مشورت کند. تصمیم‌هایی که به این ترتیب اتخاذ می‌شوند، می‌توانند در قبال سازمان‌های بین‌المللی و داخلی (بعد از مشورت با عضو دارای نفع سازمان) اعمال شوند" (سوچینی لیندکر، ۱۳۸۷: www.political.ir).

در واقع، اساس موجودیت و کارکرد سازمان‌های غیردولتی به بسیج داوطلبانه کمک‌های اجتماعی وابسته است (اطه‌ری، ۱۳۸۱: ۲۲۲). یکی از سوال‌هایی که اغلب در مورد سازمان‌های غیردولتی مطرح می‌شود، این است که چه تفاوتی میان این سازمان‌ها و گروه‌های فعال سیاسی وجود دارد. در یک نظریه گفته شده گروه‌های سیاسی اغلب و به نوعی به دنبال تأمین و حمایت از حقوق وابستگان خود هستند، اما سازمان‌های غیردولتی به دنبال تأمین و حمایت از حقوق همه افراد جامعه هستند و می‌کوشند تا فرایند فعالیت‌های سیاسی را برای همه گروه‌ها و افراد جامعه فراهم سازند؛ به عبارت دیگر، تفاوت اصلی این گونه سازمان‌ها با گروه‌های سیاسی در جامعیت و شمول آنها است (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۶: ۱۴).

به هر روی، تحولات موسوم به انقلاب لاله‌ای در جمهوری قرقیزستان نیز همانند جمهوری گرجستان و اوکراین، با آغاز فعالیت‌های انتخابات مجلس این کشور در سال ۲۰۰۵ آغاز شد. روند اعتراضات در شرایطی شدت گرفت که در اواخر فوریه ۲۰۰۵ و در جریان برگزاری انتخابات مجلس جمهوری قرقیزستان، تعداد زیادی از کاندیداهای مستقل و کاندیداهای گروه‌های مخالف، رد صلاحیت شدند و از امکان شرکت در انتخابات محروم گشتند. در این میان با وجود اطمینان‌های دولت قرقیزستان برای برگزاری انتخاباتی آزاد و عاری از هر گونه فساد، دخالت دولت، دستکاری و تقلب آراء، با این حال از گوشه و کنار جمهوری قرقیزستان، مخالفت‌هایی شروع شد و در جریان آن، مردم به روند ناسالم انتخاباتی معترض شدند. همچنین مخالفان باور داشتند که طرفداران عسگر آقایف علاوه بر این که قصد دارند تا آرای بیشتر مجلس را به دست گیرند، بلکه در حال تلاش برای اختصاص دو کرسی از کرسی‌های مجلس به دختر و پسر عسگر آقایف هستند تا به این ترتیب راه را برای اصلاح قانون اساسی و امکان ابقای عسگر آقایف در مقام ریاست جمهوری فراهم سازند (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۴۸-۱۴۹). از این رو، انتخابات مجلس که مقدمه‌ای برای انتخابات ریاست جمهوری در اکتبر ۲۰۰۵ به شمار می‌رفت، با

اعتراض مخالفان در برخی از شهرهای مهم جنوبی جمهوری قرقیزستان نظیر شهر «اوش» و «جلال‌آباد»، که همواره به اعمال تبعیض علیه خود معترض بودند، مواجه شد و به تدریج به پایتخت جمهوری قرقیزستان نیز سرایت کرد (Tucker, 2007: 538).

همچنین افرادی نظیر «رزا آتانبایوا»^۱ رهبر مخالفان (جام‌جم، ۱۳۸۹: ۶) و وزیر سابق امور خارجه و «مدتکن شیرمقلوف»^۲ رئیس سابق مجلس نیز دست به اعتراض زدند. ضمن آن که اعتراض هواداران «جنبش آتایورت»^۳ نسبت به رد صلاحیت «رزا آتانبایوا»، رهبر این جنبش برای شرکت در انتخابات مجلس به برپا کردن دو چادر در برابر ساختمان مجلس و به تن کردن لباس‌های نارنجی و قرمز انجامید. با وجود بروز مخالفت‌های بالا، مردم جمهوری قرقیزستان در ۲۷ فوریه ۲۰۰۵ برای انتخاب نمایندگان مجلس این کشور به پای صندوق‌های رأی رفتند. در این انتخابات که حدود ۴۰۰ کاندیدا برای کسب ۷۵ کرسی مجلس به رقابت پرداخته بودند، احزاب مخالف امید زیادی برای کسب یک‌سوم کرسی‌ها داشتند. با این حال، نتایج انتخابات حکایت از وضع ناامیدکننده‌ای داشت که در نهایت، موج مخالفت‌ها را تشدید کرد. اعتراضات معترضان که با اعلام نتیجه انتخابات در فوریه ۲۰۰۵، ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده بود، با برگزاری دور دوم انتخابات در ۱۳ مارس، شکل تازه و خشونت‌آمیزی به خود گرفت و در جریان آن چند ساختمان دولتی و پاسگاه پلیس به تصرف تظاهرکنندگان درآمد. در این میان و در مقابل اتهامات مخالفان به دولت، عسگر آقایف استدلال کرد که «مخالفان فقط به دنبال متنی از پیش نوشته شده، می‌باشند که در دوره پیشین در اوکراین و گرجستان پیاده شده تا به یک انقلاب مخملی برسند». از این‌رو، با وجود آن که عسگر آقایف به کناره‌گیری از انتخابات ریاست جمهوری در ماه اکتبر متعهد شده بود و اعلام کرده بود که با استفاده از حمایت مجلس جدید قصد ندارد، دوره ریاست جمهوری خود را تمدید کند، اما بسیاری از مردم قرقیزستان، این انتخابات را نوعی بازی سیاسی می‌دانستند که مسئولان برای تأیید شدن وضعیت کشور به راه انداخته بودند. همچنین مردم قرقیزستان باور داشتند که عسگر آقایف از انتخابات، برای طولانی‌تر کردن دوره ریاست جمهوری خود یا باز کردن راه برای یکی از خویشاوندان نزدیک خود برای احراز این پست استفاده خواهد کرد. به این ترتیب در شرایطی که عسگر آقایف به

¹Rosa Tanbayva

²Mdtkn Shyrmqlvf

³Tayvrt Movement

عنوان رئیس‌جمهور، ادامه ناآرامی‌ها را خطرناک و احتمال رخداد جنگ داخلی را بسیار زیاد می‌دانست، اما مخالفان با رد درخواست رئیس‌جمهور قرقیزستان مبنی بر مذاکره به بی‌نظمی و شورش‌های گسترده دست زدند که در نهایت به غارت‌های بسیار در پایتخت و از کنترل خارج شدن اوضاع منجر گردید. به نحوی که اعتراضات در بیشکک، رویه‌ای خشونت‌آمیز پیدا کرد و در نهایت، با حمله به ساختمان ریاست جمهوری به آخرین مراحل خود رسید. سرانجام تصرف کاخ سفید رنگ ریاست جمهوری، تمامی اداره‌ها و نهادهای دولتی از سوی مخالفان، تسخیر ساختمان رادیو و تلویزیون و دستگیری وزیران دفاع و امنیت ملی، شرایط را بحرانی کرد و دولت قرقیزستان را در آستانه اضمحلال قرار داد. در نتیجه، موج اعتراضات گسترده‌ای که به مدت یک ماه و در پی انتخابات مجلس در جمهوری قرقیزستان آغاز شده بود در مدت کوتاهی به موفقیت رسید و با پیروزی انقلاب رنگی، یکی دیگر از رهبران بازمانده از نسل نخبگان نظام کمونیستی اتحاد جماهیر شوروی از مسند قدرت کنار رفت. در واقع، فرار عسگر آقایف به فدراسیون روسیه در ۲۴ مارس ۲۰۰۵ و پذیرش استعفای وی از سوی مجلس، علاوه بر آن که مهر پایانی بر حکومت پانزده ساله وی بر جمهوری قرقیزستان محسوب می‌شد، حکایت از این امر داشت که غربی‌ها دست از حمایت وی برداشته‌اند (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۴۹-۱۵۱).

سازمان‌های مردم‌نهاد در جمهوری قرقیزستان

از اوایل دهه ۹۰ میلادی سازمان‌های غیردولتی جمهوری قرقیزستان در حال رشد هستند. به گونه‌ای که تخمین دقیق تعداد این سازمان‌ها از منبعی به منبع دیگر متفاوت است. به گفته برخی از منابع بیش از ۸۰۰ سازمان غیردولتی بین سال‌های ۱۹۹۱-۱۹۹۶ تشکیل گردیدند و تا پایان سال ۲۰۰۰ نزدیک به ۳۰۰۰ و در ۲۰۰۲ بیش از ۴۰۰۰ سازمان غیردولتی در وزارت دادگستری ثبت‌نام کرده‌اند (Kuchukeeva, 2033: 568). هدف سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر در انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان تبلیغ‌های منفی در رسانه ملی بود (Goldstein, 2008: 3).

عسگر آقایف در هیات رئیسه شورای عمومی امنیت دمکراتیک به فرمانداران و شهرداران برای در امان ماندن جمهوری قرقیزستان در برابر تهدید انقلاب اظهار داشت، رسانه‌هایی هستند که مردم را دعوت به سوی انقلاب می‌کنند و ما باید با استفاده از نشریاتی

که طرفدار دولت هستند با آنها مقابله کنیم و صلح و آرامش را به جمهوری قرقیزستان باز گردانیم. این رسانه‌ها متأسفانه با کمک منابع مالی بین‌المللی مردم را تقسیم‌بندی می‌کنند و جنبش‌هایی را ایجاد می‌کنند که ما نیازی به آن نداریم (Herd, 2005: 10).

تسلط ایالات متحده آمریکا بر سازمان‌های غیردولتی جمهوری قرقیزستان حتی قبل از اقدامات این کشور در اوکراین بود. حداقل ۱۷۰ سازمان غیردولتی در گسترش و ترویج مردم سالاری با حمایت آمریکایی‌ها به فعالیت متهم شدند. فیونا آدامسون^۱ در زمینه کمک به مردم سالاری در جمهوری قرقیزستان تحقیقی انجام داده که مطابق آن سازمان‌های غیردولتی محلی به طور تقریبی ۱۰۰٪ از بودجه دریافتی خود را از بازیگران بین‌المللی دریافت می‌کنند و این اهداءکنندگان کمک‌های مالی، آنان را به سوی مقاصد خود هدایت می‌کنند (Rushdie, 2006: 9).

همچنین، برخی از سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه‌های مرتبط با امور زنان، مردم سالاری و حقوق بشر نیز به این حرکت کمک می‌کردند (ساجدوا، ۱۳۸۴: ۲۲۰). در زیر به چند مورد از سازمان‌های غیردولتی جمهوری قرقیزستان که مؤثر در بروز انقلاب رنگی در این کشور بوده‌اند، اشاره می‌گردد:

شبکه تقویت جامعه محلی قرقیزستان^۲: این شبکه در سال ۲۰۰۳ به عنوان شبکه گروه ملی در راستای طرحی از سوی موسسه بانک جهانی^۳ آسیای مرکزی تعیین شد. هدف اصلی این شبکه هماهنگی و تبادل تجربه بین سازمان‌های کار با جوامع محلی است. شواهد نشان می‌دهند که این سازمان‌ها شرکایی قوی به منظور انجام برنامه‌هایی مداوم و یا اعمال نفوذ در سطح ملی هستند (Buxton, 2009: 49).

سازمان غیردولتی دیگر فعال در انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان «انجمن اجتماعی مبارزه با فساد»^۴ است. «انجمن اجتماعی مبارزه با فساد» به ظاهر از «بنیاد ملی دموکراسی» که یک سازمان دولتی آمریکایی با پیوندهای گسترده با اتحادیه تجاری ای.اف.ال –

^۱Fiona Adamson

^۲Community Empowerment Network of Kyrgyzstan (CEN)

^۳World Bank Institute (WBI)

^۴Community Forum on Fighting Corruption

سی.آی.او^۱ (مشهور به عامل سرنگون‌کننده حکومت‌های مخالف واشنگتن) است، ایجاد شده است. قبل از انقلاب رنگی در جمهوری قرقیزستان، تولکان اسماعیلوف^۲ رئیس «انجمن اجتماعی مبارزه با فساد» رساله‌ای پیرامون روش‌های انقلاب که جهت سرنگونی دولت‌های اوکراین، جمهوری گرجستان و صربستان به کار گرفته شده به زبان قرقیزی ترجمه کرد. این رساله در جمهوری قرقیزستان از طرف سازمان مردم‌سالاری، کار و حقوق بشر وابسته به وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا چاپ شد.

همان چاپخانه چندین مطلب دیگر ضد عسگر آقایف چاپ کرد. در این زمینه حتی گزارش شده است که مسئولان دولتی قرقیزستان، برق چاپخانه یاد شده را قبل از نخستین دوره انتخابات مجلس در ۲۷ فوریه سال ۲۰۰۵ قطع کردند؛ که در این خصوص سفارت ایالات متحده آمریکا در بیشکک دو ژنراتور جهت تأمین برق چاپخانه تهیه و تحویل مسئولین چاپخانه داد. این خدمات به طور مستقیم توسط یک آمریکایی به نام مایک استون^۳ و تسهیلات لازم برای امور چاپ از طرف «مؤسسه اجتماعی جورج سوروس»^۴ انجام می‌گردد. «مؤسسه اجتماعی جورج سوروس» به واسطه نقش خود در تأمین مالی فعالیت‌های مخالفان در انقلاب‌های رنگی شهرت دارد (بینگول: ۲۱۲، ۱۳۸۴-۲۱۴).

سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در انقلاب رنگی

طبق گفته عسگر آقایف و براساس فرضیه این پژوهش، سازمان‌های غیردولتی، عامل اصلی انقلاب رنگی در این کشور شناخته شدند. تأمین مالی انقلاب رنگی در جمهوری قرقیزستان از طریق بنیاد سوروس^۵، سازمان امنیت و همکاری در اروپا و ایالات متحده آمریکا به منظور استفاده سازمان‌های غیردولتی مثل خانه آزادی، مؤسسه ملی دموکراسی،

^۱American Federation of Labor and Congress of Industrial Organizations (AFL-CIO)

^۲Tvllkan Iesmailov

^۳Mike Ston

^۴Society Institute of George Soros

^۵Soros Foundation

موسسه بین‌المللی جمهوریخواه و نیز مأموریت‌های دیپلماتیک که از طریق سفارت ایالات متحده آمریکا در بیشکک طراحی می‌شد، صورت گرفته است (4: Herd, 2005).

از جمله سازمان‌های غیردولتی فعال و تأثیرگذار در روند انقلاب‌های رنگی، بنیاد آمریکایی «کمک ملی به دموکراسی» است که مرکز نظریه پردازی باورهای افراطی نومحافظه‌کاران است و در دوره نخست ریاست جمهوری رونالد ریگان^۱، توسط کنگره ایالات متحده آمریکا تأسیس شد و هدف آن واگذاری برخی وظایف سیا به بخش خصوصی و مبرا نمودن واشنگتن از اتهام مداخله‌جویی در امور دیگر کشورها است (صدر، ۱۳۸۸: ۸۱). ریاست هیات مدیره آن را «مادلین آلبرایت»^۲ وزیر سابق امور خارجه ایالات متحده آمریکا بر عهده دارد. «بنیاد کمک ملی به دموکراسی»^۳، سازمانی غیرانتفاعی، غیردولتی و فراجناحی است که هدف آن تقویت نیروها، جریان‌ها و سازمان‌های مردم سالاری در جهان است (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۲۰۵-۲۰۹) تأسیس این مؤسسه در حقیقت با هدف تقویت تأثیرگذاری سیاسی ایالات متحده آمریکا در نقاط مختلف جهان صورت گرفت (صدر، ۱۳۸۸: ۸۱).

این بنیاد، چهار موسسه «دموکراتیک ملی برای امور بین‌المللی»^۴ وابسته به غرب دموکرات، «مرکز بنگاه‌های خصوصی بین‌المللی»^۵ وابسته به اتاق بازرگانی ایالات متحده آمریکا، «اتحادیه تجارت آزاد»^۶ وابسته به جنبش کارگری و «موسسه بین‌المللی جمهوریخواه»^۷ وابسته به حزب جمهوریخواه را تحت نظر خود دارد. در این سازمان که به حمایت از انقلابیون جمهوری گرجستان، اوکراین و جمهوری قرقیزستان پرداخته است، افراد سرشناس زیادی از سراسر جهان حضور دارند (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۲۰۵-۲۰۹).

^۱ Ronald Reagan

^۲ Madeleine Albright

^۳ National Endowment for Democracy Assistance

^۴ National Democratic International Affairs

^۵ Center for International Private Enterprises

^۶ Free Trade Union

^۷ The International Republican Institute

رهبری بخش امور بین‌الملل موسسه مردم سالار ملی بر عهده مادلین آلبرایت، وزیر سابق امور خارجه ایالات متحده آمریکا است. این مسئولیت در زمان ریاست جمهوری کارتر به آلبرایت سپرده شد و همچنان در اختیار او است. هدایت موسسه بین‌المللی جمهوریخواهان نیز در دست، سناتور جان مک کین^۱ است.

هر دو موسسه ادعای بی‌طرفی دارند، اما ارتباطات بسیار نزدیک آنها با احزاب آمریکایی هم نام آنها (جمهوریخواهان و دمکرات‌ها) به طور کامل روشن است. آوازه ستیزه‌جویی‌های این موسسات عالمگیر است. در برخی از نقاط دنیا اقدام‌های این سازمان‌ها مورد تمجید حامیان مردم سالاری قرار گرفته است. با این حال در بسیاری از جمهوری‌های در حال‌گذار نام این موسسات با طرح‌های پنهانی روی کار آمدن دولت‌های متمایل به ایالات متحده آمریکا گره خورده است. این موسسات و سازمان‌ها در جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی به ویژه در ایام انتخابات کوشش می‌کنند به احزاب سیاسی که در انتخابات این کشورها فعالیت دارند، کمک کنند. موسسه دمکراتیک ملی برای امور بین‌المللی در برخی از جمهوری‌ها از جمله جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، اوکراین، فدراسیون روسیه (دارای شعبه‌هایی در سنت پترزبورگ، کراسنودار، یاروسلاول، چلیابینسک، ساراتوف، سامارا، استراخان، کالینینگراد و نیزنی نووگراد) و در جمهوری قرقیزستان نیز دفاتر نمایندگی دارند. سازمان‌هایی که واشنگتن منابع مالی آنها را تأمین می‌سازد به شدت در تلاش هستند تا از رقبای سیاسی فعال در انتخابات پشتیبانی کنند. بعضی در پاسخ به انتقادهای مطرح شده در خصوص نقش آنها در انتخابات، مدعی می‌شوند که همکاری‌های آنها خیرخواهانه نیست (صدرا، ۱۳۸۸: ۷۱-۸۱).

همچنین، نمایندگی اینترنتی^۲ در جمهوری قرقیزستان با حمایت مالی این بنیاد، طرحی را تحت عنوان "حمایت از نشریات و رسانه‌های گروهی جنوب جمهوری قرقیزستان" به مرحله اجرا در می‌آورند. این برنامه در راستای حمایت از نشریات و رسانه‌های گروهی مستقل برای دفاع از حقوق خود در مقابل فشارها و انتقادهای اطلاع‌رسانی و آگاه ساختن روزنامه‌نگاران از حقوق و وظایف خود براساس قوانین جمهوری قرقیزستان و کمک به همه کسانی است که در کارهای روزمره خود با موانع قانونی و غیرقانونی مواجه هستند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

^۱John McCain

^۲Internews

در همین راستا، موسسه "ابتکار دموکراسی و حقوق بشر اروپا"^۱ در سال ۱۹۹۴ تأسیس شده است؛ و با هدف کمک به گسترش و پیشبرد مردم‌سالاری و حقوق بشر و پیشگیری از بروز مناقشات در سه کشور قزاقستان، جمهوری قرقیزستان و تاجیکستان از طریق حمایت و پشتیبانی مالی از طرح‌ها و برنامه‌هایی است که در راستای تأمین و حصول اهداف یاد شده می‌باشند. دفتر اصلی نمایندگی آن در قزاقستان بوده و فعالیت‌ها و برنامه‌های آن در جمهوری‌های قرقیزستان و تاجیکستان با هدایت و برنامه‌ریزی دفتر قزاقستان انجام می‌گیرد. نمایندگی اینترنتی در جمهوری قرقیزستان با همکاری مؤسسه ابتکار دموکراسی و حقوق بشر اروپا برنامه‌ای را با نشریات و رسانه‌های گروهی جمهوری قرقیزستان در چارچوب نیل به هدف گسترش و دفاع از حقوق روزنامه‌نگاران، حمایت از اصلاحات صورت گرفته در امر تدوین قوانین مربوط به نشریات و رسانه‌های گروهی، به کار گرفتن تلاش‌ها و کمک جهت حل مسائل و مشکلات در این زمینه و در مجموع تقویت مردم‌سالاری در جمهوری قرقیزستان به اجرا در می‌آورد.

از طرفی، اوراسیانت^۲ مطالب و گزارشات خبری و تحلیلی مربوط به حوادث و رویدادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و وضعیت محیط‌زیست کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و نیز فدراسیون روسیه، خاورمیانه و کشورهای آسیای جنوب‌غربی را چاپ و منتشر می‌کند. دفتر مرکزی اوراسیانت در نیویورک بوده و با همکاری موسسه "جامعه باز"^۳ در چارچوب طرح و برنامه‌ای تحت عنوان "اوراسیای مرکزی"^۴ در منطقه فعالیت می‌کند. هدف طرح یاد شده، ارائه اخبار و آگاهی‌های مربوط به مسئولین و دست‌اندرکاران مربوطه و نیز تلاش در جهت افزایش توجه افکار و محافل اجتماعی به منطقه است. نمایندگی اینترنتی در جمهوری قرقیزستان موافقت‌نامه‌ای را با اوراسیانت مبنی بر راه‌اندازی یک مرکز ویژه برای روزنامه‌نگاران و عکاسان جمهوری قرقیزستان به منظور چاپ مطالب و مقالات آن در سایت اوراسیانت منعقد کرده است.

^۱Institute for Democracy and Human Rights Initiative Europe

^۲Eurasianet

^۳Open Society

^۴Central Eurasia

خانه آزادی^۱، سازمانی محافظه کار است و از سوی ایالات متحده آمریکا تأمین مالی می‌شود. این کمک‌ها از سوی آژانس کمک آمریکا برای توسعه بین‌المللی تأمین می‌شود. این آژانس می‌کوشد تا با کمک‌های اقتصادی و نوع‌دوستانه در سرتاسر دنیا، حمایت از اهداف سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا را فراهم سازد. براساس گزارشات موجود از سال ۲۰۰۳، جیمز ولسی^۲، رئیس سازمان سیا بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۵، مشاور بسیاری از موسسات نومحافظه کار و رئیس "خانه آزادی" است. وی همچنین رئیس شرکت تایتان^۳، که یک کمپانی خصوصی در زمینه تأمین امنیت است، بوده است. براساس گزارش‌های موجود، ساموئل هانتینگتون^۴ و دایانا ویلیرز نگرپونته^۵ همسر جان نگرپونته^۶ رئیس سازمان اطلاعات ملی ایالات متحده آمریکا، از جمله اعضای دیگر هیات مدیره و معتمدین "خانه آزادی" هستند (صدرا، ۱۳۸۸: ۷۱-۸۱).

یکی دیگر از سازمان‌های غیردولتی که نقش غیرقابل انکاری در جریان انقلاب‌های رنگی بر عهده دارد، «موسسه جامعه باز و شبکه بنیاد سوروس» است. جورج سوروس^۷ میلیاردر معروف آمریکایی - یهودی و بنیانگذار موسسه‌های زنجیره‌ای سوروس در جهان است (عسگری، ۱۳۸۴: ۹۸). برای نخستین بار در سال ۱۹۹۷ و در جریان بحران ورشکستگی مالی و اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا نام بنیاد سوروس بر سر زبان‌ها افتاد. در این بحران بیشتر کشورهای عضو «آ.سه.آن»^۸ به ویژه اندونزی و مالزی در نتیجه اقداماتی که سوروس انجام داده بود، متضرر شده‌اند (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۳). این بنیاد تاکنون بالغ بر پنج

¹Freedom House

²James Woolsey

³Titan

⁴Samuel Huntington

⁵Diana Williers Negroponte

⁶John Negroponte

⁷George Soros

⁸Association of south.East Asian Nations

میلیارد دلار در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، کشورهای آفریقایی و آسیایی تحت عنوان ترویج و تشویق مردم سالاری کمک مالی کرده است (عسگری، ۱۳۸۴: ۹۸) و از طریق ارتباط با احزاب مخالف، نشریات و جمعیت‌ها و سازمان‌های منتقد دولت در کشورهای مورد نظر، سعی در برآوردن خواسته‌های واشنگتن و تل‌آویو را دارد (احمدی، ۱۳۸۵: ۲۳).

اهداف اصلی این بنیاد انجام فعالیت‌های گسترده فرهنگی در کشورهای در حال‌گذار تحت عنوان ترویج مردم سالاری و امور خیریه به منظور سوق دادن آنها به جرگه کشورهای حامل فرهنگ غربی و ترویج فرهنگ غرب و با اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، علمی و هنری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و کمک مالی به آنها برای جذب آنها است. این بنیاد در جهان و در کشورها هم به نام بنیاد و هم بیشتر به نام «جامعه باز^۱» فعال است (عسگری، ۱۳۸۴: ۹۸).

این مؤسسه که به شدت تحت تأثیر افکار و باورهای بنیانگذار خود است، تا اندازه زیادی بازگوکننده خواسته‌های شخصی جورج سوروس در حیطه‌های اجتماعی نیز است. نحوه عملکرد بنیاد سوروس به این صورت است که این سازمان در مرحله نخست به برپایی یک مرکز مطالعاتی در کشورهای مختلف می‌پردازد و سپس با ارزیابی مخالفان دولت مرکزی و حمایت از نشریات مخالف دولت، زمینه را برای انقلابی آرام و برانداختن حکومت فراهم می‌سازد. جورج سوروس در مصاحبه‌ای با روزنامه «لوس‌آنجلس تایمز^۲» تمایل خود را برای پیاده کردن سناریوی جمهوری گرجستان در کشورهای آسیای مرکزی یعنی تاجیکستان، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکمنستان پنهان نکرد و خاطر نشان ساخت ساختارهایی که توسط وی به وجود آمده‌اند به طور فعالی از روند «مردم سالاری» در کشورهای منطقه و ایجاد جامعه مدنی حمایت می‌کنند. سوروس تأکید می‌کند، بنیاد خیریه‌ای که وی تأسیس کرده است، از اصلاح مردم سالاری در کشورهای این منطقه حمایت می‌کند. این سرمایه‌دار بزرگ آمریکایی در همان حال خاطر نشان ساخته است که در حال حاضر تکرار سناریوی جمهوری گرجستان در آسیای مرکزی را واقع‌بینانه نمی‌داند و باور دارد که با توجه به تفاوت شرایط محلی برخوردها می‌بایست نسبت به ایجاد «جوامع آزاد» در کشورهای مختلف رویه‌های متفاوتی داشته باشد. از این‌رو، این سازمان در هر یک از سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴،

^۱Open Society

^۲The Los Angeles Times

مبلغ ۲۰ میلیون دلار به منظور حمایت از اصلاح‌های صورت گرفته در پنج کشور آسیای مرکزی هزینه کرده است. نمایندگی بنیاد سوروس در جمهوری قرقیزستان در سال ۱۹۹۳ تأسیس شده است؛ این بنیاد در چارچوب برنامه‌های تصویب شده توسط موسس آن - موسسه جامعه باز - در نیویورک فعالیت می‌کند. بنیاد سوروس در جمهوری قرقیزستان برای اجرا و پیاده نمودن طرح‌ها و برنامه‌های خود با نهادهای دولتی و محافل اجتماعی جمهوری قرقیزستان و نیز سازمان‌ها و حمایت‌کنندگان مالی بین‌المللی همکاری می‌کند. فعالیت‌های بنیاد یاد شده براساس آنچه در تارنمای آن ادعا شده است، جنبه سیاسی نداشته و در راستای کمک و حمایت از جریان‌های سیاسی داخلی و خارجی نیست. بنیاد همچنین از طرح‌ها و برنامه‌هایی که صبغه دینی و سیاسی داشته باشد، حمایت و پشتیبانی به عمل نمی‌آورد. نمایندگی یاد شده از ابتدای تأسیس خود در جمهوری قرقیزستان در سال ۱۹۹۳ در زمینه‌های مختلفی همچون حمایت از نشریات و رسانه‌های گروهی، ارائه کمک‌ها و حمایت‌های حقوقی، فنی و روشمند به نشریات و رسانه‌های گروهی مستقل، حمایت از سازمان‌ها و موسسه‌های غیردولتی زنان، فعالیت‌های فرهنگی، علمی، آموزشی، تحصیلی، حقوقی، بهداشت و اقتصادی و افزایش سطح سواد حقوقی شهروندان قرقیز تلاش و فعالیت کرده است. براساس گزارش منتشر شده توسط بنیاد سوروس در سال ۲۰۰۴، این مؤسسه مبلغ ۳۲۸۴۲۱۳ دلار سرمایه‌گذاری و هزینه کرده است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۲۱-۱۲۸).

یکی دیگر از سازمان‌های غیرانتفاعی که نقش مهمی در آموزش مخالفان و ترویج شیوه‌های براندازی نرم ایفا کرده است، «مؤسسه آلبرت اینشتین»^۱ است. این موسسه که در سال ۱۹۸۳ توسط «جین شارپ»^۲ تأسیس شد، برای پیشبرد مطالعه درباره استفاده از «استراتژی عمل غیرخشونت‌آمیز» در سراسر جهان فعالیت می‌کند. موسسه آلبرت اینشتین خود را متعهد به دفاع از آزادی، مردم سالاری و کاهش خشونت‌های سیاسی از طریق کاربرد اعمال غیرخشونت‌آمیز می‌داند. این موسسه، هدف اصلی خود را «فهم پویایی عمل غیرخشونت‌آمیز در منازعات» تعریف کرده و برای نمایش نیروی بالقوه خود به منظور برقراری ارتباط، از طریق نشریات و سایر رسانه‌ها، ترجمه‌ها، همایش‌ها، مشاوره‌ها و کارگاه‌های مختلف عمل می‌کند. از این‌رو، پایگاه فضای مجازی این موسسه به انتشار راه‌های

^۱Albert Einstein Institute

^۲Gene Sharp

مختلف وصول به آزادی پرداخته که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کتاب «استراتژی منازعه غیرخشونت‌آمیز» اثر «رابرت حلوی»^۱ و کتاب‌های «جایگزین‌های واقع‌گرایانه»، «اصول سیاسی عمل غیرخشونت‌آمیز» و «از دیکتاتوری به دموکراسی» نوشته جین شارپ اشاره کرد که به ۲۱ زبان و از جمله فارسی نیز ترجمه شده است.

از دیگر مراکز و موسسات مهمی که در آموزش روش‌های براندازی نرم و همچنین تقویت و پشتیبانی از انقلاب‌های رنگی فعالیت داشته، می‌توان به «مرکز بین‌المللی منازعه غیرخشونت‌آمیز»^۲ اشاره کرد که در شهر واشنگتن قرار دارد. ریاست مرکز بین‌المللی منازعه غیرخشونت‌آمیز بر عهده «پیتر اکرمین»^۳ است که در نخستین گام، باورهای خود را در دو کتاب و دو فیلم سینمایی گنجانده و سپس در سال ۲۰۰۲ «مرکز بین‌المللی منازعه غیرخشونت‌آمیز» را تأسیس کرد (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۲۰۵-۲۰۹).

از سال ۱۹۹۲ دولت ایالات متحده آمریکا از طریق آژانس توسعه بین‌المللی^۴ که موسسه‌ای غیردولتی و فعال در جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز است، کمک‌هایی را نزدیک به ۱۸۰ میلیون دلار در اختیار جمهوری قرقیزستان قرار داده است. ارائه کمک و حمایت‌های لازم وظیفه و مأموریت اصلی مؤسسه یاد شده در این جمهوری آسیای مرکزی اعلام شده است. براساس گزارش اعلام شده تنها در سال ۱۹۹۹ بیش از نه هزار تن از شهروندان قرقیزی در برنامه‌ها و طرح‌های آموزشی و تبادل بین‌المللی این مؤسسه شرکت کرده‌اند. آژانس توسعه بین‌المللی ضمن حمایت از سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در جمهوری قرقیزستان، ایجاد زمینه و شرایط برای شرکت فعال شهروندان آن جمهوری در امر بهبود وضعیت و شرایط زندگی و رفاه جامعه قرقیزستان را به عنوان یکی دیگر از اهداف خود پی‌ریزی و دنبال کرده است.

^۱Robert Sweets

^۲The International Centre on Nonviolent Conflict

^۳Peter Ackerman

^۴International Development

فعالیت‌های دفتر نمایندگی موسسه غیردولتی اینترنیوز در جمهوری قرقیزستان نیز با حمایت و پشتیبانی مالی آژانس توسعه بین‌المللی صورت می‌گیرد. بنیاد اوراسیای آسیای مرکزی^۱ به عنوان یک بنیاد اجتماعی محلی و با هدف تدوام کار بنیاد اوراسیا در سال ۲۰۰۵ در بیشکک به ثبت رسیده است. بنیاد اوراسیا، یک سازمان خصوصی غیرتجاری است که از سال ۱۹۹۳ در آسیای مرکزی فعالیت دارد. این بنیاد به منظور حمایت از برنامه‌های مربوط به گسترش کارفرمایی خرد و متوسط، تحصیل، آموزش و گسترش محافل اجتماعی محلی، اداره امور دولتی و خوداتکایی، برنامه‌های مربوط به جوانان، محیط‌زیست و بهداشت بیش از ۴۰ میلیون دلار هزینه و سرمایه‌گذاری کرده است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

نتیجه‌گیری

در انتها این گونه بیان می‌شود که سازمان‌های مردم‌نهاد مجموعه‌ای از افراد هستند که به صورت ارادی دور هم جمع می‌شوند و به دنبال دستیابی به قدرت سیاسی هم نیستند. این سازمان‌ها به طور آشکار بعد از جنگ جهانی دوم پدید آمدند، ولی در واقع، خیلی پیش‌تر از آن وجود داشتند. چیزی که مهم است، تأثیر و نفوذی است که این سازمان‌ها بر انقلاب‌های رنگی، به خصوص انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان گذاشته‌اند.

این سازمان‌ها با استفاده از رسانه‌های گروهی و کمک‌های مالی خود سعی در اعمال نفوذ و تحریک افکار عمومی مردم داشتند. این سازمان‌ها به سازمان‌های غیردولتی جمهوری قرقیزستان نیز خط‌مشی فکری می‌دادند و آنان را به سوی خواسته‌های خود فرامی‌خواندند. بیشتر این سازمان‌ها بخشی از حمایت‌های خود را در قالب دفاع از حقوق زنان قرار می‌دهند. در واقع به خاطر نقشی که زنان در جامعه و خانواده بازی می‌کنند، بهتر می‌توانند اعمال نفوذ داشته باشند و کارهای خود را غیرسیاسی جلوه دهند و حتی با کمک به اقشار بی‌بضاعت جامعه حامیان بیشتری را برای خود به دست آورند. سازمان‌های غیردولتی با در دست گرفتن رسانه‌ها نبض تپنده افکار عمومی جامعه را در دست می‌گیرند و سعی می‌کنند همه چیز را بزرگ‌تر از اندازه معمول نشان دهند و تلاش می‌کنند تا هر کاری که صورت گرفته را تخریب کنند و شعارهایی زیبا می‌دهند تا هوادارانی به دست آورند. اینجا صحبت در مورد سازمان‌هایی است که به دور از دخالت دولت، توانسته‌اند سبب‌ساز این رخداد شوند و

¹Central Asia Eurasia

موجب شوند تا رئیس‌جمهوری از سمت خود برکنار شود و رئیس‌جمهوری جدید به روی کار بیاید و هیچ کس نمی‌توانست تصور کند که این سازمان‌ها قادر هستند که چنین کارهایی را انجام دهند. عسگر آقایف رئیس‌جمهور اسبق قرقیزستان در متن سخنرانی خود اعلام کرد، سازمان‌های غیردولتی عامل برکناری او شدند. کسی در ابتدای فعالیت این سازمان‌ها، تصور نمی‌کرد که آن‌ها بتوانند تا این اندازه بر اراده و خواست دیگران تأثیرگذار باشند.

البته در قرقیزستان با پیروزی انقلاب رنگی و آمدن باقی‌اف مردم متوجه شدند که باقی‌اف نیز همان کارهایی را دنبال می‌نماید که آقایف انجام می‌داد. لذا این بار، مردم شمال علیه جنوب قیام کرده و رزا آتانبایوا را به قدرت رساندند.

در مجموع می‌توان گفت، سازمان‌های غیردولتی از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی سعی کردند تا آگاهی‌هایی را در مورد فساد خانواده آقایف ارائه بدهند و مردم را به سوی اعتراض تشویق کنند. در واقع، نمی‌توان نفوذ و نقشی که این سازمان‌ها در انقلاب رنگی جمهوری قرقیزستان و بقیه جمهوری‌ها ایفا کردند را نادیده گرفت. با توجه به تجربه این کشورها در ماجرای انقلاب رنگی و تأثیری که سازمان‌های غیردولتی در بسیج و فراخوان مردم در براندازی نظام موجود انجام دادند، کشورهای منطقه را واداشت تا به دنبال کاهش و نابودی قدرت این سازمان‌ها برآیند. کشورهای منطقه سعی کردند به طور صوری مقداری آزادی به مردم خود بدهند، البته نه آن گونه که قدرت نفوذ مردم بیشتر شود. بعضی از این کشورها شروع به اصلاحاتی در قانون اساسی خود کردند و برخی دیگر از کشورها فعالیت برخی از سازمان‌های مردمی را ممنوع اعلام کردند. از جمله کارهای دیگری که بعد از انقلاب‌های رنگی صورت گرفت، نزدیکی این کشورها به ایالات متحده آمریکا به عنوان حافظ منافع آنها بود.

منابع و مآخذ

- احمدی، حسین (۱۳۸۵)، *تحولات منطقه‌ای ویژه قفقاز*، چاپ اول، تهران؛ نشر تاریخ معاصر ایران.
- احمدی لفورکی، بهزاد و میررضوی، فیروزه (۱۳۸۳)، *راهنمای منطقه خزر و کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی*، چاپ اول، تهران؛ نشر ابرار معاصر.
- اخلاقی، بهزاد (۱۳۸۹)، "سقوط مخملی‌های قرقیزستان"، روزنامه وطن امروز، شماره ۳۹۱، شنبه ۲۱ فروردین.
- اطهری، اسدالله (۱۳۸۱)، "سازمان‌های غیردولتی در دورنمای توسعه"، فصلنامه *مطالعات استراتژیک خاورمیانه*، شماره ۳۰، تابستان.
- امیرکواسمی، ایوب (۱۳۸۸)، "علل رشد فزاینده سازمان‌های غیردولتی"، فصلنامه *سیاست خارجی*، سال ۲۳، شماره یک، بهار.
- بهمن، شعیب (۱۳۸۸)، *انقلاب‌های رنگی و انقلاب اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران؛ نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بینگول، ایلماز (۱۳۸۴)، "انقلاب رنگی قرقیزستان: تغییر دمکراتیک یا رقابت جهانی؟"، فصلنامه *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۱، پاییز.
- پیرنظر، مریم (۱۳۷۹)، *جامعه مدنی چیست؟ (تاریخچه، مفهوم و کارکرد آن در کشورهای جهان)*، چاپ اول، تهران؛ نشر فرزاد.
- حسین پور، اکرم، ترابزاده، منیژه، وزیری، فهیمه و شهیدی‌فر، فریبا (۱۳۷۵)، *ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز*، چاپ اول، تهران؛ نشر وزارت امور خارجه.
- روحانی‌نژاد، محمدمین (۱۳۸۳)، "اهداف ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز در دهه ۱۹۹۰ و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر جمهوری‌های آذربایجان و ترکمنستان)"، دانشگاه امام صادق، *پایان‌نامه دوره کارشناسی/ارشد علوم سیاسی*، زمستان.
- ساجدوا، گلشن (۱۳۸۴)، "تغییر رژیم از طریق انقلاب‌های رنگی"، فصلنامه *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۱، پاییز.
- سوچینی لیدنکر، روبرتو (۱۳۸۷)، "سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل"، مراجعه شود به www.political.ir؛ تارنمای.
- صدرا (۱۳۸۸)، "ایدئولوژی و ژئوپولیتیک کودتاهای مخملی"، خبرگزاری فارس.
- عسگری، حسن (۱۳۸۴)، "نقش بازیگران خارجی در انقلاب رنگی: مورد انقلاب رز گرجستان"، فصلنامه *آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۱، پاییز.
- قاسمی، پرویز (۱۳۸۷)، "انقلاب لاله‌ای در قرقیزستان"، مراجعه شود به تارنمای:

pghasemi.persianblog.ir/post/121, ۲۵ خرداد.

- کولایی، الهه (۱۳۸۴)، *افسانه انقلاب‌های رنگی*، چاپ اول، مقاله تحولات قرقیزستان و انقلاب لاله‌ای، دکتر سید رسول موسوی، تهران؛ نشر ابرار.

- گلشن‌پژوه، محمودرضا، خرازی، فردین و سپهر، حسین (۱۳۸۶)، *سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی حقوق‌بشری و نقض حقوق‌بشر در کشورهای غربی*، چاپ اول، تهران؛ نشر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- روزنامه جام‌جم (۱۳۸۹)، "تشکیل دولت موقت در قرقیزستان"، شنبه ۲۱ فروردین، صفحه (جهان).

- تارنمای: www.siasatema.com با کد مطلب: ۱۹/۱۵۶ (۱۳۹۰)، خرداد.

- Buxton, Charles (2009), "NGO Network in Central Asia and Global Civil Society: Potentials and Limitations", *Central Asian Survey*, Vol.28, No.1, March.

- Engdahl, F. William (2010), "Kyrgyzstan's 'Roza Revolution'-Cui Bono?" *Washington, Moscow, Beijing and the Geopolitics of Central Asia*, May.

- Goldstein, Jeff (2008), "The Human Rights Situation in Central Asia", Testimony Prepared for the *Asia, Pacific and Global Environment Subcommittee of the House Foreign Affairs Committee*, March.

-Herd, Graeme P (2005), "Colorful Revolutions and the CIS", *Problems of Post-Communism*, March-April.

- Kuchukeeva, Altinay and O'Loughlin, John (2003), "Civic Engagement and Democratic Consolidation in Kyrgyzstan", *The University of Colorado*, Washington, DC.

-Rushdie, Salman (2006), "Democratization, NGOs and Color Revolution", Published on *Open Democracy*, January.

- Tucker, Joshua A (2007), "Enough! Electoral Fraud, Collective Action Problems, and Post-Communist Colored Revolutions", *Perspectives on Politics*, Vol.5, No.3, September.